

توان روایت نخست

مرور شماره ۱۸۲ ماهنامه مدیریت ارتباطات

شماره ۱۸۲ ماهنامه «مدیریت ارتباطات» به‌مدیر مسئولی امیرعباس تقی‌پور منتشر شد. این شماره با پرونده‌ای متمرکز بر «جنگ ترکیبی رسانه‌ای» و نقش شبکه‌های برون‌مرزی در شکل‌دهی به افکار عمومی، تحلیلی از وضعیت رسانه‌ای کشور و نقش آن‌ها در جنگ ۱۲ روزه ارائه می‌دهد. تقی‌پور در یادداشت خود بدین نکته اشاره می‌کند که «جنگ اخیر نشان داد که خط مقدم نبرد دیگر صرفاً جغرافیایی نیست؛ امروز، میدان اصلی جنگ، ذهن و احساس مردم است و شبکه‌های اجتماعی در این میدان، بازیگران اصلی‌اند. همه اطلاعات، انتشار شایعات، تولید ترس و تردید، عملیات روانی پی‌درپی؛ همگی سلاح‌هایی مدرن‌اند که در جنگ رسانه‌ای به کار گرفته می‌شوند» و بنابراین «اتنراه مضمون‌سازی جامعه، تقویت سواد رسانه‌ای مردم است. مردمی که آموزش ندیده‌اند، چگونه پیام‌ها را تحلیل کنند و اهداف پشت آنها را بشناسند». در پرونده ویژه این شماره با عنوان «هیولایی در اتاق نشیمن» اما به‌طور مفصل به شبکه ایران اینترنشنال پرداخته شده است. در این پرونده ابتدا از راهبردهای رسانه‌های اسرائیل صحبت شده و بعد از آن از ایران اینترنشنال به عنوان بازوی رسانه‌ای این رژیم در جنگ دوازده‌روزه نام‌برده شده است. در توضیح این پرونده آمده است که رسانه‌های وابسته به ساختار سیاسی در ایران معمولاً یک‌سویه، گند و سانسور محور عمل می‌کنند و از سوی دیگر، مردم در شرایط بحران به دنبال منبعی می‌گردند که سریع، شفاف و بدون فیلتر به آن‌ها اطلاعات بدهد. وقتی این نیاز پاسخ داده نشود، فضا برای روایت رقیب باز می‌شود. در این میان، شبکه ایران اینترنشنال در انتشار لحظه‌ای و بی‌وقفه محتوا موفق عمل کرد. استفاده از زیرساخت رسانه‌ای قدرتمند و تیم چندزبانه نیز باعث شد روایت این شبکه رسانه در همان لحظات نخست اتفاقات سال‌های اخیر ایران شکل بگیرد. این شبکه، الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی را با پست‌های کوتاه، هشتک‌های هماهنگ و انتشار ویدئوهای کوتاه جذاب به نفع خود مهندسی کرد. روایت اینترنشنال فقط خبری هم نبود بلکه ترکیبی از تصویرسازی و احساس‌سازی بود. با استفاده از ویدئوهای احساسی، موسیقی و شعار، هویت جمعی جدیدی خلق شد. این شبکه از داستان‌گویی احساسی (Emotional Storytelling) برای ایجاد دوقطبی «مردم در برابر حاکمیت» بهره برد. ایران اینترنشنال با ترکیب تکنیک‌های احساس‌برانگیز، روایت‌محور، چهره‌محور و موسیقی‌محور توانست ذهن بسیاری از مخاطبان را در لحظات بحرانی هدایت کند؛ هدایت‌هایی که بیش از آنکه بر پایه اقتناع عقلانی باشد، بر هم‌چفت‌سازی احساسی با روایت مسلط شبکه استوار بود. عبدالجواد موسوی اما در این زمینه در متنی با عنوان «رسانه یا دستگاه نفرت‌پراکنی» نوشته است: «درست که اینترنشنال کمی حرفه‌ای‌تر است و خوش‌آب‌ورنگتر، اما از حیث ماهیت و کارکرد هیچ تفاوتی با تلویزیون خواهر مریم و برادر مسعود ندارد.» مسعود سپهر نیز در نوشته‌اش هم به پرداخت‌های مالی و جذاب این شبکه در سال ۲۰۱۷ (۷۰ هزار پوند حقوق سالانه برای روزنامه‌نگاران و بیش از ۱۰۰ هزار پوند برای سردبیران و دبیران) اشاره کرده و هم بدین نکته پرداخته که کسانی چون ابراهیم‌نبوی با تمامی سختی‌ها تن به همکاری با این شبکه ندادند و هم در نهایت نوشته است: «عملکرد ضعیف رسانه ملی، از جمله تأخیر در اطلاع‌رسانی، ارائه اطلاعات نادرست و استفاده از تحلیلگران غیر حرفه‌ای باعث شد که رسانه‌ای همچون اینترنشنال بتواند بخشی از مخاطبان را جذب کند. با این حال، در جریان جنگ دوازده‌روزه، آنچنان یک‌سویه و در نقش بلندگوی رسمی اسرائیل ظاهر شد که مرجعیت و بخشی از مخاطبان‌ش را از دست داد.» از دیگر بخش‌های این شماره، گزارش ویژه‌ای درباره اینترت پتابیتی و آینده ارتباطات است. مقاله‌ای با عنوان «پرتاب به بیرون از جهان» دستاوردهای شگفت‌انگیز محققان ژاپنی در دستیابی به سرعت اینترت ۱۰۲ پتابیت بر ثانیه را معرفی کرده و این دستاورد را به عنوان آغازی بر عصری نوین در انتقال داده‌ها تحلیل می‌کند. همچنین مقاله «ضرورت بازآفرینی اجتماعی فناوری» به قلم بابک گلدوزیان با رویکردی فلسفی و انتقادی، به جایگاه هوش مصنوعی، اینترت اشیاء و فناوری‌های نوظهور در ساخت آینده ایران می‌پردازد و هشدار می‌دهد که توسعه صرفاً فنی، بدون توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند به بحران‌های تازه‌ای منجر شود. در بخشی دیگر پرونده‌ای درباره نقش هنرهای تجسمی در عصر بحران منتشر شده است. مقاله «زبان دوم انسان» در این بخش، هنر را رسانه‌ای می‌داند که در لحظات بحران، نه فقط زیبایی بلکه روایت، اعتراض و التیام را بر دوش می‌کشد.



از سوژه به خالق

نمایشگاه «به گزارش زنان» روایت تصویر در ساحت زنانه هنر است



عکس: مهر

گزارش
تجسمی

حسین نوروزی

پژوهشگر حوزه مطالعات هنر



در سال‌هایی که هنرهای تجسمی ایران در میانه چالش‌های متعدد اجتماعی و سیاسی دست‌وپا می‌زند، جایگاه زنان هنرمند به‌رغم همه محدودیت‌ها و موانع، همواره موضوعی حساس و بحث‌برانگیز بوده است. نمایشگاهی که این روزها در موزه هنرهای معاصر تهران با عنوان «به گزارش زنان» برگزار می‌شود، نه فقط بازتاب حضور کمرنگ یا پررنگ زنان در هنر معاصر ایران، بلکه گزارشی محکم و پرصلابت است از کنشگری و نقش فاعلی آنان در شکل‌دهی به زبان بصری معاصر کشور. این نمایشگاه که ثاری از دهه ۱۳۴۰ تا امروز را در برمی‌گیرد، چهره‌ای واقعی و نه آرمانی از زن ایرانی به‌عنوان هنرمند را به نمایش گذاشته و این پیام را مخابره می‌کند که دیگر دوران آن گذشته است که زن صرفاً سوژه یا موضوع باشد؛ او اکنون سازنده و معناپرداز اصلی است.

▼ از سایه به نور

زنی که خود روایت می‌کند

تاریخ هنر معاصر ایران، اگرچه مملو از حضور پیکره‌های زنانه است، اما اغلب این حضور در اختیار روایت‌گران مرد بوده است. زن، تا سال‌ها، تنها جسمی برای قاب تصویر به شمار می‌آمد؛ بی‌آنکه از زاویه دید خود، خود را نشان دهد یا روایت کند. این روند، ریشه‌های عمیقی در مناسبات جنسیتی و فرهنگی جامعه داشته و دارد، که حالا بصراحت نیازمند نقد و اصلاح است. اما «به گزارش زنان» با جسارت و ظرافت خاصی، این روند را به چالش کشیده است. زنان هنرمند ایرانی، با استفاده از رسانه‌ها و فرم‌های متنوع، زبان خود

زندگی در مرز خیال و واقعیت

تأملی بر سازوکار ذهنی زیستن در تعلیق و اضطراب جنگ
بانگاهی به عکس‌های گوهر دشتی با استمداد از لکان

نکار
خانه

حانیه حسن‌نژاد

منتقد تجسمی



لکان دانست: امر خیالی به مثابه بازتاب یک نظم ساختگی، امر نمادین به عنوان بازنمای نقش‌ها و زبان اجتماعی، و نهایتاً امر واقع؛ شکاف مقاوم‌ناپذیری که در هیچ نظامی بازنمایی‌پذیر نیست، اما همواره عمل می‌کند.

▼ به میانجی سکوت و استمرار

آثار گوهر دشتی نه صرفاً موضوعی برای تحلیل تصویری، بلکه مجالی مفهومی برای تأمل در ساحت روانی زیستن در وضعیت جنگ‌اند. آنچه در مجموعه‌ی «زندگی امروز و جنگ» دیده می‌شود، صرفاً صحنه‌ای چیده شده از یک زوج در میدان جنگ نیست، بلکه پژواک روانی تجربه‌ای است که نه با صدا، بلکه با سکوت پیش می‌آید؛ نه با حادثه، بلکه با استمرار. چنین تصویری که در آن عادی‌ترین رفتارها در دل غریب‌ترین فضاها انجام می‌شود، امکان تأملی فراهم می‌آورد بر سه‌گانه‌ی روان‌شناختی لکان: تصویر، زبان، و آن چیزی که از بازنمایی سر باز می‌زند، اما در بدن و ذهن باقی می‌ماند.

جنگ لزوماً با انفجار آغاز نمی‌شود؛ گاه از ترک‌برداشتن لایه‌ای ناپیدا در روان ما سر برمی‌آورد. چیزی رسوبی، فرساینده، که در شکل روزمره‌ی زندگی ما حل می‌شود بی‌آنکه فوراً دیده شود. در دوازده روز جنگ اخیر، ایران واجد همان کیفیاتی بود که عکس‌های مجموعه‌ی «زندگی امروز و جنگ» گوهر دشتی بازتاب می‌دهند: وضعیتی تعلیقی، در آستانه، میان زیستن و ویرانی. در این قاب‌ها، سوژه‌ها بی‌هیچ واکنشی به حضور جنگ، درگیر اعمالی روتین‌اند؛ صبحانه خوردن، عروسی گرفتن، نگاه کردن به تلویزیون. گویی نه در دل میدان جنگ، که در مرکز روان خود گرفتار آمده‌اند. از همین منظر، این مجموعه را می‌توان بازنمایی‌ای لایه‌مند از سه سطح روان‌شناسی

